

مبانی درس دفاع مقدس

دکتر وحید اشرفی

www.ketab.ir

سرفصل‌ها:

مقدمه :

فصل اول تبیین مفاهیم جنگ و دفاع

فصل دوم ابررسی سوابق مناقشات مرزی ایران و عراق

فصل سوم /شرایط حاکم بر جمهوری اسلامی ایران قبل از شروع جنگ

فصل چهارم / شرایط حاکم بر کشور عراق قبل از تجاوز به ایران و اهداف تجاوز عراق

فصل پنجم / پیش و چگونگی آغاز تجاوز

فصل ششم / مع تجاوز

فصل هفتم / رویکرد « قوق » جنگ « علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸

فصل هشتم / فرهنگ ایثار و شهادت در دفاع مقدس

فصل نهم / نقش بسیجی در دوران دفاع مقدس

فصل دهم / پیامدها و دستاوردهای سیاسی - فرهنگی - اقتصادی دفاع مقدس

فصل یازدهم / بازدید از موزه‌ها و مناطق دفاع مقدس (در صورت امکان)

مقدمه :

حماسه دفاع مقدس، حماسه ای بی نظیر در تاریخ این کشور کهن است. واژه افتخارات بزرگ ملی ما محسوب می شود. تجربه عظیم دفاع و پایداری در برابر توطئه جهانی یک سرمایه ارزشمند است که به بهای فدا شدن یک نسل حاصل گردیده است. ملت‌های آزاده جهان آنچه برای آن هزینه کرده اند ارزان از دست نمی دهند و تلاش میکنند آن را حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

درس آشنایی با دفاع مقدس سبب آشنایی جوانان با حماسه‌های جاودانه و پایداری‌های مردانه رزمندگان دوران هشت سال دفاع مقدس می شود. آنگاه که اهریمنان حق‌ستیز ناجوانمردانه به سوی مرزهای ایران هجوم آوردند، دلاورمردان این بوم و بر با ساز و برگي از الله اکبر با قامتی سرفراز‌مندتر و استوارتر از کوهها در برابرشان قد برافراشتند و در سنگرهای مقاومت قیامت آفریدند. فجر آفرینان را سراسر ایران کاروان‌هایی چون کارون به سوی جبهه‌ها روان شدند.

تصویر بلند شجاعت این تلاشگران عرصه عشق در قاب هیچ نگاه نمی گنجید و پرواز شاهین خیال، چکاد رفیع رفعت و شهامت اینان را نمی توانست ربورد!

اقیانوس نور در برابر درخشش صورت این تپش کور بود و گل‌واژه استقامت و دروازه مقاومت در فاموس ایشان ظهور می یافت.

جنگ عراق علیه ایران از شهریور ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷ من نیروهای مسلح دو کشور ایران و عراق جریان داشت. جنگ هشت ساله ایران و عراق یکی از فاجعه‌های تاریخ است. در قرن بیستم و پس از جنگ ویتنام و بالاتر از جنگ جهانی اول، دومین جنگ طولانی قرن بیستم بوده است.

شورای امنیت در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۷۰ مصادف با ۹ دسامبر ۱۹۹۱ طی ۴۹ رأی که از جانب دبیرکل وقت سازمان ملل متحد دریافت کرده بود، عراق را به عنوان متجاوز جنگ معرفی کرد. این شایسته این عاق را موظف به پرداخت غرامت جنگ به ایران نمود. در این جنگ ارتش عراق به طور گسترده از جنگ‌افزارهای شیمیایی علیه کردهای عراقی و مردم بیگناه و نظامیان ایران استفاده کرد. با این وجود جامعه جهانی هیچ‌گاه نتوانست اجماعی برای محکوم کردن این جنایت جنگی از سوی عراق ترتیب دهد. در طول جنگ، ارتش عراق با استفاده از سلاح‌های شیمیایی حدود ۱۰۰ هزار مرد، زن و بچه را به قتل رساند.

صدام حسین با جلب موافقت عربستان سعودی و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس برای جنگ با ایران توانست از امکانات مالی، نظامی و تدارکات این کشورها بهره‌برداری کند. رژیم عراق در آخرین سال قبل از جنگ حدود ۳۸ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت و با این وجود، کشورهای نفتی منطقه خلیج فارس (عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و قطر) حاضر به پرداخت ۱۴ میلیارد دلار وام بدون بهره به عراق شدند.

عراق در ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) با هدف براندازی جمهوری اسلامی ایران، حمله به ایران را آغاز کرد. نیروهای عراقی به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودند که نواحی بزرگی از غرب ایران را اشغال کنند، عراقی‌ها بمب‌گذاری، مین‌گذاری، عملیات نامنظم و تجاوزهای مرزی‌شان را خیلی زودتر از آنچه شروع جنگ دانسته می‌شود، آغاز کردند. عراق با تقلید از استراتژی نظامی اسرائیل در حمله برق‌آسا و کوبنده هوایی به فرودگاه‌ها و هواپیماهای مصر، سوریه و اردن در جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل و نتایج چشمگیر آن، خواست که همان نتایج را این بار برای خود رقم بزنند. روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

رأس ساعت ۱۲ به وقت بغداد، مرکز فرماندهی جنگ در عراق دستور پرواز ۱۹۲ بمبافکن و جنگنده را برای حمله هوایی به فرودگاه‌های ایران صادر کرد. بیست دقیقه بعد، عدنان خیرالله وزیر دفاع عراق در گزارشی این موضوع را به صدام حسین اعلام کرد. به این ترتیب جنگ هوایی بین ایران و عراق آغاز شد. نیروی هوایی عراق در بعدازظهر همان روز به پایگاه‌های نیروی هوایی ایران حمله کرد. همزمان با آغاز عملیات هوایی، نیروی زمینی عراق از سه جبهه و در هر جبهه با یک سپاه یورش زمینی خود را آغاز کرد. سپاه اول از جبهه شمالی، سپاه دوم از جبهه میانی و سپاه سوم از جبهه جنوبی پیشروی خود را آغاز کردند؛ این درحالی بود که فرماندهان جنگ در ایران به فکر از دست دادن زمین در ازای گرفتن زمان بودند. با این حال مردم مناطق مرزی در حرکتی خودجوش و با کمک روحیه بالا، با دادن تلفات سنگین و با تجهیزات نظامی ناچیز همچون تفنگ ام ۱ گاراند جلوی پیشروی سریع ارتش عراق را گرفتند. در نخستین پیشروی ارتش عراق به خاک ایران حدود ۳۰ هزار کیلومترمربع از خاک ایران به اشغال نیروهای متجاوز درآمد. جنگ تحمیلی علیه ایران دو هزار و ۸۸۷ روز به طول انجامید که طی آن هزار روز نبرد فعال صورت گرفت که ۷۹۳ روز حمله از سوی رزمندگان ایرانی بود و ۲۰۷ روز از سوی ارتش عراق. مقاومت نیروهای ایرانی که به طولانی شدن جنگ انجامید، سبب شد ذخایر ارزی عراق که در ابتدای جنگ، حدود ۱۰ میلیارد دلار بود، پس از شکست در عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر به صفر برسد و پس از پایان جنگ، این کشور بیش از ۷۰ میلیارد دلار بدهی داشته باشد.

تلفات این جنگ براساس آمار رسمی ایران، جنگ تحمیلی ۲۱۳ هزار ایرانی شهید و ۳۳۵ هزار ایرانی معلول و ۴۲ هزار و ۶۱۸ اسیر و هفت هزار مفقود، لاشه ۱۰ هزار و ۱۰۰ میلیارد دلار خسارت بر جامعه ایران وارد کرده است. در حال حاضر، دو میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار اراضی ایران هم‌زمان وده به بین است. جنگ ایران و عراق، بعد از جنگ ویتنام که ۱۵ سال به طول انجامید، دومین جنگ طولانی قرن بیستم است. (جنگ جهانی اول چهار سال و جنگ جهانی دوم شش سال به طول انجامید) مدافعان ایرانی برای دفاع از خرمشهر ۳۵ روز جنگ کردند. در حالی که در بازپس‌گیری خرمشهر، ایران دوازده روز موفق شد.

عراق در طول جنگ سه هزار و ۵۰۰ بار به ایران حمله می‌کرد که ۳۰ مورد از آنها در مناطق مسکونی بوده است. وحشیانه‌ترین مورد استفاده در اسفند ۱۳۶۶، در حلبچه بوده که وسیع‌ترین مورد استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی از زمان جنگ جهانی اول تاکنون به‌شمار می‌رود که حداقل پنج هزار نفر از رده کودکان و مسلمان این شهر را کشته و هفت هزار نفر دیگر را مجروح کرد. مجموع شهدای حملات هوایی عراق به مناطق مسکونی ایران ۱۵ هزار و ۹۵۹ نفر اعلام شد. اکنون بیش از دو دهه از آن روزهای خون و خشم می‌گذرد.

ما مانده‌ایم و روحی سرگشته در کوچه‌باغ‌های خاطرات جنگ. ما مانده‌ایم و دفتری با بوی باران و شیرین. دین باور حق یاور را نشاید که از یک سوراخ دو بار گزیده شود. بایسته‌ها و شایسته‌های خردورزی ما را به عادت برسان فرامی‌خواند. حاشا که ما مصداق آن ملتی باشیم که در صورت فراموشی تاریخ، گزیر از تکرار آن باشیم! دریغ اگر غبار غلغل این چهره‌های درخشان حماسه‌آفرینان ما را خاموش و حافظه تاریخ آن را فراموش کند. اکنون ما رسالت سنگین ابلاغ پیام خونین و کلام عطراآگین این شهیدان را بر دوش خود احساس می‌کنیم و در راستای این احساس مسوولیت بر خود فرض می‌دانیم که در هیچ شرایطی این اسطوره‌های مقاومت و اسوه‌های استقامت را از یاد نبریم. تا این حماسه‌های جاودانه و پایداری‌های مردانه را در سینه رازدار و گنجینه ماندگار خود حفظ و حراست نماید تا آیندگان ما با مرور این خون‌نیشته‌ها، مرزهای عزت و شرافت این مرز و بوم را پاس دارند و ایثارگران را سیاسی‌گزارند. شهیدان پیام‌آورانی بودند که نسیم سحرآمیز ساحل سیمگون هدایت را به شب‌زدگان شیستان شوم شرارت رسانیدند، جام جلالت را از جزیره جمادین جور و جهل و جمود آزاد ساختند و غریبان غم‌زده غرفه‌الاحزان غربت را شاد کردند.

ما اکنون به عنوان میراث‌داران آن کبوتران خونین بال برآئیم تا بال در بال نسیم، گیسوی سیاه شب را پریشان سازیم و با گوهر دیده و اشک چکیده، پیام پاک شهیدان را به نسل‌ها و عصرهای آینده برسانیم و در راستای انجام این رسالت این کتاب تاریخی و بازخوانی تاریخ سرخ گذشته، آینده‌ای سبز را برای نسل‌ها و عصرهای پسین رقم زنیم.

اگر قرار است که راجع به یک موضوعی تصمیم بگیریم قبل از هر چیز باید اهمیت آن موضوع روشن باشد. تصور می‌کنم در مجموعه‌ای که در طول ۳۰ سال گذشته داشتیم مهم‌ترین حادثه، انقلاب اسلامی بوده و بعد از آن دفاع مقدس. از نظر رتبه‌بندی اهمیت پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس در رتبه‌های برتر می‌باشند. حال باید ببینیم که تاریخ این کشور که باید برای نسل‌های آینده نگارش بشود، چه قدر باید به انقلاب بپردازد و چه قدر به دفاع مقدس و چه قدر هم به سایر مسائل مهمی که در این دوران ۳۰ ساله پیش آمده است. این که می‌گویم تاریخ، فقط مربوط به دانشگاه‌ها نمی‌شود، بلکه از مدرسه ابتدایی تا دانشگاه حوادث مهم تاریخ کشور در این ۳۰ سال، باید در متون درسی ما به گونه‌ای ظریف و هنرمندانه گنجانده و برای نسل‌های آینده تدوین شود.

موضوع دوم انتقال میراث انقلاب است که از نسل‌های اول و دوم انقلاب به نسل‌های بعدی می‌رسد. ما در انقلاب دو نسل کاملاً درگیر داریم: نسل اول انقلاب است. آنهایی که حوادث ۱۵ خرداد ۴۲ را درک کردند یا خودشان در آن حضور داشتند و سن آن‌ها به آن دوره می‌خورد؛ که اینها نسل اول انقلاب هستند. نسل دوم انقلاب آنهایی هستند که در دفاع مقدس حضور داشتند ولی در خود انقلاب از نظر سنی هنوز نمی‌توانستند یک فرد مؤثر باشند. از اینجا به بعد ما می‌رویم سراغ نسل‌های سوم و چهارم. نسل‌هایی که یا از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند یا در شرف فارغ‌التحصیلی‌اند و یا در دوره متوسطه هستند. اگر بخوانیم در تاوردهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی یک ماندگاری و استمرار درازمدت و ابدی داشته باشند بایستی میراث انقلاب به نسل‌های اول و دوم برای کسب آن درگیر بودند و در مبارزات شرکت داشتند به نسل‌های بعدی منتقل شود. اینکه چگونه مملکت را به نسل‌های مختلفی دارد: فیلم‌هایی که ساخته می‌شود، کتاب‌هایی که نوشته می‌شود، سخنرانی‌هایی که مطرح می‌شود و اینها و اقدام شیوه‌هایی که می‌تواند این میراث فرهنگی و میراث انقلاب را منتقل کند. یکی از راه‌های انتقال میراث فرهنگی این است که در همه متون درسی - فقط متون درسی دانشگاه‌ها نیست - قرار گیرد. لزومی هم ندارد که ما یک حجم وسیعی را به دوره متوسطه اختصاص بدهیم و اسمش را دفاع مقدس هم بگذاریم. ممکن است گاهی اوقات شما با یک عبارت یا با یک صفحه در کتاب لای منون متوسطه آنچنان با ظرافت و هنرمندانه مسائل دفاع مقدس را مطرح کنید که ارزشی از ۱۰ کتاب بیشتر باشد. البته این کار کسانی است که باید این هنر را به خرج بدهند و کار را انجام دهند.

یکی از راه‌های انتقال میراث فرهنگی از نسل‌های اول و دوم به نسل‌های بعدی این است: وقایع و حوادث و حماسه‌های دفاع مقدس در متون درسی است. حالا دو واحد درسی است.

نکته سوم؛ برای اینکه انقلاب و دفاع مقدس را (که این دو هم ترکیب شده‌اند و نمی‌شود این‌ها را از هم جدا کرد) به نسل‌های بعدی منتقل کنیم، شخصیت‌های نظام و انقلاب باید شناخته شوند. وقتی انقلاب مشروطیت نام می‌بریم بلافاصله در ذهن ما در یک طرف ستارخان و باقرخان و یک طرف شهدایی مثل بهبهانی و طباطبایی و دیگران فوراً ظاهر می‌شود. ما وقتی از نهضت انقلابی جنگل نام می‌بریم یا می‌خواهیم صحبت کنیم بلافاصله میرزا کوچک خان و یارانش در ذهن ما تجسم پیدا می‌کند. یا وقتی از نهضت ملی شدن صنعت نفت نام می‌بریم بلافاصله در یک طرف آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام و در طرف دیگر دکتر مصدق و طرفداران آن‌ها در ذهن ما نقش می‌بندند. ما نمی‌توانیم یک انقلاب و یک نظام و یک حادثه بزرگ تاریخی مثل دفاع مقدس را از شخصیت‌های آن جدا کنیم. بنابراین یکی از راه‌های تبیین دفاع مقدس شناخت شخصیت‌هایی است که در دفاع مقدس هستند. هم شخصیت‌های سیاسی و انقلابی و هم شخصیت‌های نظامی و سپاهی مربوط به دفاع مقدس هستند. شهید نامجو، شهید باکری، شهید همت، شهید اقبال‌پرست، شهید کلاه‌دوز و بسیاری از این نام‌داران دفاع مقدس نام ببرید و اینها شناخته شوند. همین‌طور در کنار آن‌ها شخصیت‌های سیاسی ما قرار دارند. ما نمی‌توانیم شهید باهنر و شهید رجایی و شهید بهشتی و... را از این مجموعه تفکیک کنیم. اینها با هم آمیخته شده، که باید

شخصیت‌های انقلاب و دفاع مقدس را هم در متون درسی، و در بحثی که می‌خواهیم مطرح کنیم بیاوریم و از آنها نام ببریم و اجازه بدهیم که اینها نامشان زنده بماند. زنده ماندن نام اینها در حقیقت زنده ماندن بخشی از تاریخ انقلاب و دفاع مقدس است.

سیره حضرت امام؛ زنده نگه داشتن سیره حضرت امام خودش یک بحث است. ما در دوران جنگ شاهد بودیم که یک عده‌ای می‌گفتند: برای چه می‌جنگیم؟ ما باید بسازیم، ما باید برویم پای میز مذاکره با صدام و آمریکا کنار بیایم. اما سیره امام غیر از این بود. خودمان هم باید با سیره امام باید آشنایی پیدا کنیم و آگاه بشویم که امام در حوادث، مسائل و رویدادها، و در موضع‌گیری‌ها در مقابل قدرتمندان جهان و نیز در مقابل عوامل داخلی چگونه عمل می‌کرد. مجموعه رفتار و گفتار امام را اگر جمع کنیم و به آن توجه کنیم می‌شود سیره امام؛ چون همه ادعای این است که تابع و پیرو خط امام هستیم و به خاطر این است که انقلاب پیروز شد و تداوم پیدا کرد. حتی مقام معظم رهبری در همه سخنرانی‌هایش به امام اشاره می‌کند. بنابراین باید به مسئله سیره امام در متونی که تهیه می‌کنیم توجه شود.

تبیین مظلومیت ایران در جنگ است. لزومی هم ندارد ۱۰۰ جلد کتاب در مورد آن بنویسیم. اتهامات مطلب را می‌توانیم مطرح کنیم. ما باید با روشی بسیار هنرمندانه و قلمی شیوا بیان کنیم، بنویسیم، مطرح کنیم و نشان بدهیم که در این جنگ واقعاً تنها بودیم. باب است که شما خیلی موارد خاص و استثنایی را می‌توانید در طول دوران جنگ سرد مطرح کنید که دو ابرقدرت بزرگ جهان (شرقی و غربی) سر یک موضوعی تا این حد اتفاق نظر داشته باشند که هر دو به یک طرف جنگ تجهیزات نظامی بدهند. خیلی عجیب است. شاید از جنگ جهانی دوم تا دوران دفاع مقدس به ندرت شما می‌توانید چنین شرایط خاصی را پیدا کنید. این است که صدام هم از حمایت‌های بی‌دریغ اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی غرب تا حدودی برخوردار بود و از آن طرف حمایت‌های آمریکایی شرق به صورت وسیع و گسترده هم وجود داشته است. اصلاً کل ارتش صدام مجهز به سلاح‌های ساخت غربی و اروپایی شرقی بود که آن روز جزء پیمان ورشو و ابرقدرت شوروی بودند. این خیلی چیز عجیبی بود. ما در این جنگ به معنای واقعی کلمه مظلوم بودیم این از نکات نادر دوران معاصر ماست و آنطور که باید و شاید به مظلومیت ما در جنگ پرداخته شده است. کافی است در چند صفحه یا در نمایش کوتاهی آن نکات مهم و اساسی را که نشان می‌دهد ما در جنگ تنها هستیم بیان کنیم.

نقش مردم و جوانان داوطلب در جنگ؛ همه شما به یاد می‌آورید که در آغاز جنگ، عده‌ای می‌گفتند که انقلاب دیگر تمام شد. به خصوص وقتی که صدام آمد سرزمین ما را تصرف کرد. برای اغلب و مخالفین ما تبدیل به یک باور شده بود که جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت را پیدا کرد. این طرف‌تر و آن طرف‌تر در حال دست و پا زدن است. کسی باور نمی‌کرد که ما هشت سال بتوانیم مقاومت کنیم و این کوران هم سربلند بیرون بیایم. این موضوع با اطلاعات و تهدیدهای دنیای غرب سازگاری نداشت و مسئله بسیار غریبی بود. هم این بود که جنگ توده‌ای و مردمی شد. مردم، و عمدتاً نیروهای جوان آمدند مسئولیت و اداره جنگ را به عهده گرفتند. نیروهای متخصص در ارتش و بعد در سپاه استفاده کردند. ولی خیل عظیم جنگجویان ما مردم بودند و جنگ با مردم از آن کامل پیدا کرد. بنابراین ما هیچ وقت در جنگ با کمبود نیروی انسانی مواجه نبودیم. بلکه با کمبود سلاح، امکانات و بودجه مواجه بودیم؛ هرچند ممکن بود گاهی با کمبود کادر ورزیده در بعضی از قسمت‌ها مواجه باشیم. این چیزی بود که در دنیا کم نظیر بوده و باید در تاریخ دفاع مقدس ما، در متونی که در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدریس می‌شود گنجانده و تبیین شود: جنگ مردمی. مردم حتی از نظر اقتصادی چه قدر کمک کردند؟ کسانی که مایملک ناچیز خودشان را در اختیار رزمندگان می‌گذاشتند و به جیب‌ها می‌فرستادند. اینها خیلی با ارزش بوده و به اینها باید خیلی اهمیت بدهیم و اینها را باید برجسته کنیم و در متون درسی نشان بدهیم.

توطئه‌های خارجی و داخلی در دوران دفاع مقدس؛ دفاع مقدس برای ما حکم یک پالایشگاه را پیدا کرد. شما وقتی در پالایشگاه ماده‌ای را داخل آن می‌ریزید تجزیه می‌کند و خالص و ناخالص را از هم جدا می‌کند. عیارشان را هم مشخص می‌کند. جنگ برای ملت ایران یک همچین پالایشگاه بزرگی شد. مجاهدین خلق می‌گفتند عنوان مبارزه با امپریالیسم در

انحصار ما است. کسی حق ندارد به این جمله نزدیک شود. دفاع مقدس یک پالایشگاه بزرگ شد. می‌گفتند بروید در پالایشگاه ببینید از آن طرف چه در می‌آید. همه نیروهای انقلاب در این پالایشگاه پالایش شدند. درجه خلوص‌شان هم تا حدودی مشخص شد. ممکن است در همه انسان‌ها یک درجه ضعیفی از نفاق باشد ولی بعد از جنگ فهمیدیم مجاهدین خلق درجه نفاقشان خیلی بالا بوده، شاید با عیار صد درصد، اینها اینچنین از امتحان بیرون آمدند. کسانی که این طور ادعای مبارزه با امریکا داشتند چگونه به صورت نوکران حلقه به گوش صدام درآمدند. اصلاً تصورش را نمی‌توان کرد. اگر جنگ اتفاق نمی‌افتاد، اگر دفاع مقدس نبود شما فکر می‌کنید این چهره‌ها به همین سادگی شناخته می‌شد؟ چه بسا همین چهره‌ها می‌آمدند انقلاب را دست می‌گرفتند. یکی از خصوصیات جنگ این بود که پالایشگاهی شد که در این پالایشگاه چهره‌ها شناخته شدند.

یکی از چیزهایی که مغفول واقع شده نه به معنای اهم کلمه بلکه به معنای اخذ کلمه، جنایات جنگ است. شما حتماً راجع به جنگ ویتنام کتاب‌هایی را مطالعه کرده‌اید؛ در دفاع مقدس ما خیلی مطلب داریم. مثلاً استفاده عراق از سلاح شیمیایی و قتل عام مردم در حلبچه و جاهای دیگر. برخی از اینها در روزنامه‌ها و جاهای مختلف مطرح شده است. اما هنوز کتابی تحت سرفصل و عنوان جنایات جنگ در دوران هشت سال دفاع مقدس ندیده‌ام؛ کتابی تحت عنوان جنایات جنگ در هشت سال دفاع مقدس که یکی از بخش‌های مهم آن همین بحث کاربرد سلاح‌های شیمیایی و آن قتل عامی که از طریق سلاح‌های شیمیایی کردند باشد.

اجرای بند های فوق، اولاً بایست با نیت درست باشد، یعنی واقعا به خاطر خدا و برای ماندگاری انقلاب بخواهیم این کار را بکنیم ان شاء الله - نیت درستی باشد.

بحث گنجاندن دفاع مقدس در متون تاریخی در اصل موضوع چیز خوبی است. حالا اگر بد اجرا کنیم یا نتوانیم این را خوب تدوین کنیم بستگی به هنر خودمان دارد و قطعاً می‌تواند در انتقال میراث فرهنگی و میراث انقلاب و دفاع مقدس از نسل‌های اول و دوم به نسل‌های بعدی نقش داشته باشد. اما ما باید سعی کنیم که این کار درست انجام شود. اتفاقاً چه خوب که از همین اول الزام نکردیم. همین اولش هم خوب است که کتابی باشد. فرصت می‌دهد که ما بهتر و بیشتر کار کنیم و متون بهتری انتخاب کنیم. اگر قرار است فیلم، پاورپونت و ... تهیه شود اینها کیفیت بهتر و بیشتر و بالاتری داشته باشد.